

فصلنامهٔ لسان مبین (پژوهش ادب عربی)
(علمی - پژوهشی)
سال ششم، دورهٔ جدید، شمارهٔ بیستم، تابستان ۱۳۹۴، ص ۹۳ - ۶۷
واکاوی تطبیقی مضامین شعری سعادت‌الصباح و پروین اعتصامی*
(بر اساس مکتب ادبیات تطبیقی اروپای شرقی)

علی اصغر حبیبی

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل

لیلا شکیبایی

کارشناس ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

وحید شمشری

کارشناس ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل

چکیده

علی‌رغم دیرینگی ادبیات فارسی و عربی، ادبیات زنان سابقهٔ چندانی در ایران و سرزمین‌های عربی ندارد و باید اذعان داشت که برخی بسترهای مناسب برای رشد ادبیات بانوان و ارائهٔ سروده‌های ایشان که به مسائل زنان بپردازد و بیان‌کنندهٔ احساسات زنانه باشد، بعد از انقلاب مشروطه در ایران و نهضت‌های سیاسی و اجتماعی در کشورهای عربی فراهم آمد. از مهمترین نمایندگان ادبیات زنان در ایران، پروین اعتصامی و در کشور کویت، سعادت‌الصباح هستند. پژوهش حاضر بر آن است تا با تکیه بر روش توصیفی-تطبیقی، پس از خوانش جداگانهٔ اشعار پروین و سعادت و بازخوانش تطبیقی آن‌ها بر پایهٔ الگوی «مکتب ادبیات تطبیقی اروپای شرقی»، مهمترین درونمایه‌های اشعار این دو شاعر را در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و مسائل شخصی و زنان، واکاوی نماید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که این دو شاعر علی‌رغم شباهت بسیار در موضوعاتی چون: زنان، مبارزه با مردسالاری، ظلم‌ستیزی و انسان‌دوستی، به علت وجود تفاوت‌هایی در زندگی اجتماعی و شخصیتی، با نگاهی متفاوت به دو مقولهٔ عاطفهٔ مادری و عشق‌ورزی نگرسته‌اند.

کلمات کلیدی: درونمایه‌های شعری، ادبیات تطبیقی، پروین اعتصامی، سعادت‌الصباح.

* - تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۵/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۰۲/۲۷

نشانی پست الکترونیکی نویسنده: ali_habibi@uoz.ac.ir

۱-۱ بیان مسأله

ادبیات تطبیقی از بدو ایجاد در اوایل قرن نوزدهم، دارای مکتب‌های گوناگونی بوده است. قدیم‌ترین و معروف‌ترین مکتب ادبیات تطبیقی که در بیشتر موارد-بویژه در کتاب‌های حوزه ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی و ایران- به اشتباه بر کل ادبیات تطبیقی تعمیم داده می‌شود، «مکتب فرانسوی» است. نظریه پردازان آن، برای پژوهش‌های تطبیقی چند شرط و اصل معین نموده‌اند؛ از جمله، اختلاف زبانی دو اثر، اثبات تاریخی و مستند تأثیر و تأثر بین دو اثر و محدود بودن پژوهش‌های ادبیات تطبیقی به حوزه‌های ادبی؛ (ر.ک: جمال الدین، ۱۳۸۹ش: ۱۵-۱۷) اصولی که منجر به کسل‌کنندگی و محدودیت زمینه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی می‌شود. در قرن بیستم میلادی در اعتراض به این مکتب، چند مکتب دیگر همچون «مکتب امریکایی» و «مکتب اروپای شرقی» ایجاد شد. در مکتب امریکایی که در اوایل قرن بیستم آغاز شد، ملاک اختلاف زبانی جای خود را به اختلاف فرهنگی و مرزها داد و محدود بودن به حوزه‌های ادبی حذف شد و بررسی تطبیقی میان آثار ادبی با دیگر علوم، بویژه علوم انسانی نیز در حوزه ادبیات تطبیقی قرار گرفت. (محمدی، ۱۳۸۹ش: ۶۰-۶۳)

مکتب دیگر که پژوهش حاضر بر پایه آن استوار است، «مکتب اروپای شرقی» است. این مکتب از متأخرترین مکاتب ادبیات تطبیقی است که در برابر مکتب فرانسوی و در دهه ۶۰ قرن بیستم و در میان نظریه‌پردازان کشورهای بلوک شرق اروپا (کشورهای سوسیالیستی) مطرح گردید. «در مکتب اروپای شرقی، قومیت و توجه به فرد بررسی نمی‌شود و پژوهشگران این مکتب بی‌توجه به نژاد، زبان و قومیت به عوامل اجتماعی نظر دارند و بر این باورند که ادبیات، بازتاب مسائل اجتماعی است. به سخن دیگر واقعیت‌های اجتماعی، ادبیات و انواع جریان‌های ادبی را می‌سازد؛ از این رو، جوامعی که اوضاع اجتماعی و سیاسی مشابهی داشته باشند، در انواع ادبی و هنری این جوامع نیز می‌توان شباهت‌های فراوانی یافت. در نگاه پژوهشگران این مکتب، جامعه از یک زیرساخت و یک روساخت تشکیل شده است؛ واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی زیرساخت جامعه، ادبیات و هنر روساخت آن هستند. بنابراین زیرساخت‌های جامعه، تأثیری انکارناپذیر و چشمگیری در چگونگی پیدایش و شکل‌گیری ادبیات و هنر هر جامعه دارد. در این رویکرد، ادبیات و جامعه پیوندی ناگسستنی دارند و به همین دلیل اگر شرایط اجتماعی در چند کشور،

همانند باشد، این شباهت اجتماعی سبب پیدایش انواع مشترک می‌شود.» (جمال الدین، ۱۳۸۹ش:

۲۲) که مقایسه برآیند این شباهت‌ها، در وادی ادبیات تطبیقی می‌گنجد.

البته با توجه به تأکید مکتب اروپای شرقی بر رابطه متقابل و دو طرفه میان محیط اجتماعی و ادبیات، کشف ویژگی‌های اجتماعی مشترک از طریق ادبیات از یک طرف و تأثیر شرایط پیرامونی و محیط اجتماعی مشترک بر ادبیات از دیگر سو، امری کاملاً طبیعی و قابل انتظار است؛ فرایندی که منجر به نزدیک شدن پژوهش‌های این مکتب ادبیات تطبیقی به نقد اجتماعی و جامعه‌شناختی می‌شود. با این اوصاف و علی‌رغم وجود شباهت با نقد اجتماعی، دامنه بحث، رویکرد، هدف و روش کار در مکتب ادبیات تطبیقی اروپای شرقی با نقد جامعه‌شناختی و اجتماعی تفاوت دارد.

همچنین این نکته را باید مطرح نظر داشت که بر اساس مکتب ادبیات تطبیقی اروپای شرقی، در بروز اشتراکات ادبی، قاعده کلی این است که در بیشتر موارد (البته موارد استثنایی هم وجود دارد که منجر به اشتراکات بی‌ارتباط می‌شود) این شباهت‌ها نشأت گرفته از عوامل مشترک اجتماعی و فرهنگی است، البته در این بین موارد استثنایی هم وجود دارد؛ یعنی مواردی که اوضاع اجتماعی مشترک بوده؛ اما منجر به تولیدات ادبی مشترک نشده است که این امر می‌تواند نشأت گرفته از تفاوت‌های فردی و تجربیات شخصی شاعر و هنرمند باشد.

با توجه به وجود اشتراکات و برخی افتراقات در محیط بالندگی، اوضاع اجتماعی و فرهنگی در باب سعادت الصباح و پروین اعتصامی (به مثابه زیر ساخت)، خوانش تطبیقی شعر این دو شاعر، بر اساس مکتب «ادبیات تطبیقی اروپای شرقی» می‌تواند بیان‌کننده ابعاد گوناگون محیط اجتماعی و فرهنگی درباره ایشان باشد که در شعرشان تجلی یافته است. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد تا با تکیه بر روش توصیفی-تطبیقی به بررسی اندیشه‌های شعری این دو شاعر (به مثابه روستا) به عنوان نمایندگان هم نسلان و هم جنسان کشور خود پردازد و به سه پرسش پژوهشی ذیل پاسخ گوید که:

۱. درونمایه‌های مشترک و متفاوت شعری دو شاعر کدامند؟

۲. علت بروز تفاوت و اشتراک در درونمایه‌های شعری دو شاعر چیست؟

۳. کدامیک از درونمایه‌ها در شعر دو شاعر از بسامد بیشتر و پردازش بهتری برخوردار است؟

فرضیات تحقیق که این پژوهش در پی اثبات آن است:

۱. دو شاعر در درونمایه‌های مبارزه با مردسالاری و ظلم‌ستیزی از اشتراکات بسیاری برخوردارند و شعرشان در دو درونمایه عاطفه‌مادری و عشق‌ورزی تفاوت‌های اساسی دارد.
۲. شرایط اجتماعی و فرهنگی نسبتاً مشترک سعاد و پروین، عامل اشتراک درونمایه‌های شعری دو شاعر است و وجود برخی تفاوت‌ها در زندگی اجتماعی و شخصی سعاد و پروین منجر به بروز درونمایه‌های متفاوت در شعرشان شده است.
۳. درونمایه عشق‌ورزی و صراحت در مبارزه با مردسالاری در شعر سعاد و درونمایه عاطفه‌مادری و ظلم‌ستیزی در شعر پروین از بسامد و پردازش نیکوتری برخوردار است.

۱-۲ پیشینه تحقیق

در عرصه تطبیق اشعار شاعران زن معاصر فارسی و عربی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است. از آن جمله مقاله «مطالعه تطبیقی اشعار غاده‌السمان و فروغ فرخزاد» (۱۳۸۸)، مجله الدراسات الأدبیه) که در آن اشعار فروغ و غاده‌السمان تطبیق شده است. یا کتاب «در کوچه‌های خاکی معصومیت» که به بررسی تطبیقی موضوعات و شیوه شاعری فروغ فرخزاد و غاده‌السمان پرداخته است. در مقاله «فروغ فرخزاد و سعادت‌الصباح در مثلث عشق، سیاست و زنانه نویسی» (۱۳۸۹، مجله الدراسات الأدبیه) وجود سوررئالیستی عشق، سیاست و زنانه‌نویسی را به شیوه نگارش خودکار در شعر دو شاعر واکاوی شده است. یا مقاله «عشق در آینه اشعار پروین اعتصامی و نازک الملائکه» (۱۳۸۶، مجله سخن عشق) که به بررسی تطبیقی موضوع عشق در شعر دو شاعر پرداخته است. مقاله «مادر از دیدگاه دو ادیب: پروین اعتصامی و انیسه عبود» (۱۳۸۸، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی) نگاه این دو شاعر را به موضوع مادر و عاطفه‌مادری بررسی کرده است. «مقایسه مضامین اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی و احمد صافی النجفی» (۱۳۸۹، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی) از دیگر مقالاتی است که موضوعاتی چون وطن، آزادی خواهی و دردهای اجتماعی و اقتصادی طبقات محروم جامعه را در شعر دو شاعر بررسی کرده است. درباره نقد شعر پروین اعتصامی نیز پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ مانند مجید قدمیاری (۱۳۸۸ش) در کتاب «معجزه پروین» مقالاتی را درباره نقد و تحلیل شعر پروین اعتصامی گرد آورده است. منوچهر اکبری (۱۳۸۶) در «مجموعه مقالات نکوداشت پروین اعتصامی» ۲۵ مقاله در نقد و بررسی شعر این شاعر را جمع آوری نموده است. فاطمه محمدی در مقاله‌ای با عنوان «پروین اعتصامی شاعر فضیلت و انسانیت» (۱۳۸۷، فصلنامه بانوان

شیعه) به بررسی مضامین شعری و ابعاد اخلاقی و عرفانی شعر پروین پرداخته است. محمد رضا قانون پرور در مقالهٔ «دنیای آرمانی پروین» (۱۳۶۸، مجلهٔ ایران شناسی) جامعهٔ آرمانی و مدینهٔ فاضلهٔ مورد نظر پروین را که در اشعارش انعکاس یافته، بررسی کرده است.

در باب شعر سعاد الصباح به زبان عربی نیز پژوهش‌هایی قابل تأمل انجام شده است: مانند کتاب‌های «سعاد الصباح، الشعر و الشاعرة» (۱۹۹۲م) اثر فاضل خلف و «قراءة في شعر سعاد الصباح» (۲۰۰۲م) اثر فوزی عیسی و «عزف علی أوتار مشدودة» (۱۹۹۳) از نبیل راغب که در این سه اثر، مسائلی همچون وطن، جامعه، ابعاد روماتیکی و مسائل زنان در شعر سعاد الصباح بررسی شده است. یا در کتاب «لغة الشعر النسوی العربی المعاصر» از فاطمهٔ حسین العفیف (۲۰۱۱م) مباحث موضوعی، اسلوبی و ساختاری در شعر زنانهٔ نازک الملائکه، سعاد الصباح و نبیلة الخطیب، نقد و بررسی شده است؛ اما با وجود این پیشینه، در زمینهٔ بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های شعری پروین اعتصامی و سعاد الصباح پژوهشی مستقل صورت نگرفته است و جستار پیش رو، پژوهشی تازه در این وادی قلمداد می‌گردد.

۳-۱ زندگی و شعر پروین اعتصامی

پروین اعتصامی، دختر یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی در ۲۵ اسفند سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد. (اعتصامی، ۱۳۸۸ش: ۱۷) در کودکی به همراه پدر به تهران آمد و به تحصیل مشغول شد. او در مدرسهٔ آمریکایی در تهران دوران تحصیل خود را پشت سر گذاشت و در خرداد ۱۳۰۳ش. فارغ‌التحصیل گردید. پروین در سال ۱۳۱۳ش. با پسرعموی پدر خود ازدواج کرد و به کرمانشاه رفت. به سبب اختلافات فکری دو ماه بعد از ازدواج، از شوهرش جدا شد و به تهران بازگشت. او در سال ۱۳۲۰ش. به بیماری حصبه مبتلا شد و در شانزدهم فروردین همان سال در سی و پنج سالگی درگذشت و در قم در کنار آرامگاه پدر خود به خاک سپرده شد. (هاشم‌پور سبحانی، ۱۳۸۶ش: ۶۲۷) دیوان شعر، تنها اثر بازمانده از پروین است که در اشعارش عشق به انسانیت، آزادگی، عدالت اجتماعی، علم، هنر و عشق به قشرهای محروم و رنج‌دیدهٔ جامعه موج می‌زند.

۴-۱ زندگی و شعر سعاد الصباح

سعاد محمدالصباح در ۱۹۴۲م. در کویت به دنیا آمد. وی شاعر و نویسنده و از نوادگان امیرمحمدالصباح پادشاه کویت است. در قاهره لیسانس اقتصاد گرفت و فوق‌لیسانس خود را در

این رشته در انگلستان دریافت کرد، سپس در اقتصاد و علوم سیاسی در امریکا دکتری گرفت. در دیوان او می‌توان به اهتمامش برای احقاق حقوق انسان و زن، احیای هویت زن و دفاع از کیان زن در مشارکت بر سرنوشت کشور و عشق و انسانیت پی برد. (مدنی، ۱۳۸۵: ش: ۶۴؛ الصباح، ۱۳۹۱: مقدمه مترجم) سعاد بیشتر سعی کرده است به جوهر انسان صرف‌نظر از زن یا مرد بودن آن نزدیک شود.

۵-۱ اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر پروین و سعاد

دو کشور ایران و کویت، به واسطه وجود اشتراکات فراوان دینی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی، در کنار ارتباطات دیرینه میان مردم دو کشور، از اشتراکات زیادی برخوردارند. از نظر تاریخی نیز کویت از دوره هخامنشی تا قرن ۱۲ هجری قمری جزء قلمرو ایران بوده است. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۰: ش: ۱۵) از سویی «کویت از نظر جغرافیایی در منطقه‌ای واقع است که با تمدن‌های کهن عیلامی، پارسی و هخامنشی تماس مستقیم داشت.» (همان: ۲۳۱) فرهنگ کویت همچون ایران ریشه در فرهنگ اسلامی دارد، در عین حال این کشور تأثر فراوان از فرهنگ ایرانی پذیرفته است. (همان: ۲۷) از این رو، هر دو کشور مسلمان، در گذر از بسیاری از برهه‌های مختلف تاریخی، تجربیات تقریباً مشترکی را پشت سر گذاشته‌اند.

در کنار برخی تفاوت‌ها همچون تفاوت زبانی، دیرینگی تاریخی چندهزار ساله ایران در برابر پیشینه تاریخی کم‌فروغ کشور کویت، برخی تفاوت‌ها در مسائل سیاسی، تاریخی و فرهنگی، در دو قرن اخیر اشتراکات زیادی میان دو کشور وجود داشته است.

از جمله این اشتراکات در نیمه اول قرن بیستم میلادی، میان ایران و کویت می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: وجود دولت‌های خودکامه و مستبد سلطنتی در ایران و کویت، بروز بحران‌های داخلی، رواج خان‌سالاری و نظام ارباب رعیتی، فلاکت عامه مردم، رواج جهل و خرافات، به گونه‌ای که در این کشورها «بیشتر مردم در شهرها و روستاها، از فقر، جهل، بیماری‌ها و ناگواری اوضاع اجتماعی رنج می‌بردند» (المعوش، ۲۰۱۱: ۳۸)، ناامنی‌های فراگیر، بی‌توجهی به حقوق شهروندی، حضور و مداخله همه جانبه بیگانگان در امور کشور، نگاه تحقیرآمیز به زن به عنوان جنس ضعیف، انحصار حق رأی برای مردان، بگونه‌ای که «در دوره رضا شاه، قوانین انتخاباتی، زنان را مانند صغار و مجانبین در رأی دادن و انتخاب شدن منع کرده بود.» (حسام،

در ادامه، و با رشد نسبی مردم‌سالاری و دموکراسی در دو کشور، مردم ایران و کویت با تحولات سیاسی و اجتماعی تازه‌ای مواجه شدند که نوید آینده‌ای بهتر را می‌داد. از جمله تحولات و رویدادهای تأثیرگذار این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

ظهور و شکل‌گیری جنبش‌های آزادی‌طلبانه در دفاع از دموکراسی، تشکیل برخی احزاب و جمعیت‌های سیاسی، ایجاد و رشد نشریات و روزنامه‌ها و در پی آن کم‌رنگ‌تر شدن نسبی جو مردم‌سالاری، تأسیس مدارس جدید و فراهم آمدن آموزش و تحصیل برای بیشتر افراد جامعه و از آن‌جمله دختران، تشکیل مجلس و پارلمان، تجربه آزادی بیان نسبی، بهبود نسبی اوضاع اقتصادی و اجتماعی و... (۱).

از این رو، پروین اعتصامی و سعاد الصباح را تقریباً می‌توان دو شاعر هم عصر قلمداد نمود که در شرایط نسبتاً مشترکی بالیده‌اند و شعر سروده‌اند و در بسیاری از موضوعات و زمینه‌ها در اشعارشان، نگرشی مشابه داشته‌اند؛ اما با توجه به متأخرتر بودن سعاد الصباح و به تبع آن، وجود برخی تفاوت‌ها در محیط اجتماعی وی با پروین؛ همچون تلطیف جو مردم‌سالاری، توجه بیشتر جامعه به زن، گسترش فعالیت‌های فمینیستی و زنانه، نقش وسایل ارتباط جمعی در رساندن حرف زنان به جامعه، در برخی موارد تفاوت‌های در نوع نگاه و شیوه پردازش موضوعات میان دو شاعر وجود دارد، تفاوت‌هایی که اختلاف در شخصیت برون‌گرا، مدرن و فمینیست سعاد و خانواده ثروتمند، سلطنتی و پرنفوذ او با شخصیت درون‌گرا، گوشه‌گیر، محجوب و متدین پروین، در بروز آن بی‌تأثیر نبوده است. از این رو، در پژوهش حاضر، درونمایه‌های شعری دو شاعر، در دو حوزه زمینه‌های مشترک و متفاوت مطابقت و مقایسه خواهد شد.

۲. درونمایه‌های مشترک در شعر پروین و سعاد

۲-۱ زن و مباحث مرتبط با او

پروین با انعکاس وضع زن در ایران اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی و سعاد با به تصویر کشیدن مسائل زنان کشور کویت در نیمه دوم قرن بیستم، در پی نقد جامعه مردم‌سالار هستند و برای حصول این هدف، بر درونمایه‌های چون دفاع از حقوق زن در جامعه و آزادی‌خواهی، هنجارشکنی و ایستادگی در برابر سنت و عرف جامعه مردم‌سالار تأکید می‌ورزند.

در تفکرات پروین توجه به جنس زن نایاب است و اینکه آن‌ها می‌توانند منشأ آگاهی‌ها و آزاد-اندیشی‌های بسیاری باشند. (ذوالفقاری و میرزایی، ۱۳۹۰: ۲۴) پروین اهمیتی خاص برای نقش

کلیدی و حیاتی زن در خانواده و جامعه قائل است و از این روست که وی در قالب اشعارش به سیمای زن به عنوان «رکن خانه هستی»، «زاینده و پروراننده مردان بزرگ»، «پدیدآورنده محبت»، «طیب و پرستار»، «نخستین مربی و آموزگار»، «گهواره جنیان حکیمان و دانا مردان» و «نگهبان خانه و خانواده و تیمارداری و حامی و پشتیبانی مرد» می‌نگرد. (ابراهیمی فر، ۱۳۹۲ش: ۱۹)

وی در قطعه «گنج عفت» که به نام «زن در ایران» نیز معروف است - به عنوان مهمترین شعری که او در رابطه با زنان سروده است - وضع نامطلوب اجتماعی - سیاسی زنان ایرانی را بیان می‌کند و اوضاع زنان زمانه خود را به تصویر می‌کشد و از حقوق ایشان دفاع می‌کند. (همان) زنی که نه حق رأی داشت، نه حق درس خواندن و نه کسی که این حقوق سلب شده اش را بستاند. او فقط در پس پستو و مطبخ به سیه‌روزی و بی‌عدالتی روزگار می‌گذراند:

پیشه‌اش، جز تیره روزی و پریشانی نبود	پیش از این گویی که ایرانی نبود
زن چه بود آن روزها، گر زانکه زندانی نبود	ز زندگی و مرگش اندر کنج عزلت می‌گذشت
در دبستان فضیلت، زن دبستانی نبود	در عدالتخانه انصاف، زن شاهد نداشت

(پروین اعتصامی، ۱۳۷۹ش: ۲۵-۲۶)

پروین در اشعارش با تأکید بر نظریه خود که روی آوردن به دانش است، به دفاع از حقوق زنان می‌پردازد. او زنان را به کسب فضل و دانش ترغیب کرده و از تقلید برحذر داشته است. وی پا را فراتر نهاده، با لحنی پرخاشگرانه و اعتراض آمیز، به عقیده برتر دانستن پسر بر دختر می‌تازد و کسب دانش را تنها راه مقابله با عقیده «پسر هشیار و دختر کودن است» می‌داند:

مرد یا زن، برتری و رتبت از دانستن است	پستی نسوان ایران، جمله از بی‌دانشی است
شاهراه سعی و اقلیم سعادت، روشن است	زین چراغ معرفت کامروز اندر دست ماست
تا نگوید کس، پسر هشیار و دختر کودن	به که هر دختر بداند قدر علم آموختن
بر نکرد از ما کسی زین خواب بیدردی	زن ز تحصیل هنر شد شهره در هر کشوری

(همان: ۲۱۷)

در شعر سعادت نیز زن جایگاهی مهم دارد. «موضوع زن در شعر او از جنبه‌های مختلف از جمله سرشت زن و زنانگی، احساسات زنانه، اعتراض به نگرش جنس‌گونه، تساوی حقوق زن و مرد و... مطرح شده است.» (الصباح، ۱۳۹۱ش: مقدمه مترجم) از این رو، حجم زیاد اشعار او مربوط به زن و محدودیت‌ها و ظلم‌هایی است که از گذشته تاکنون در جامعه عرب بر زن رفته است. او با اشعارش وضع زنان کشورش را منعکس کرده است؛ زیرا زن در جامعه او بسیار مورد بی‌مهری و

بی‌توجهی قرار گرفته و حقوق او زیر پا گذاشته شده است. سعاد بسیار صریح و بی‌پروا به نقد شرایط زنان ستم‌دیده اقدام کرده است و به هیچ وجه از اوضاع آنان در کشور سلطنتی کویت راضی نیست. وی با خطاب قرار دادن مردان جامعهٔ خویش و با لحنی جسورانه، خبر از انتقام-گیری قطعی و قریب الوقوع ظلمی را می‌دهد که در حق زنان کشورش شده است. زنی که به او فقط به دیدهٔ کالای مصرفی نگریسته شده و فرقی میان او و حیوانات نبوده است؛ دوشیزگانی که به هنگام ازدواج و طلاق بسان چهارپایان خرید و فروش می‌شده اند:

سَأْتَأُرُّ...؟/لِلْحَائِرَاتِ، وَلِلصَّابِرَاتِ .../وَلِلْقَاصِرَاتِ اللّوَاتِي اشْتَرِيَتْ صِبَاهُنَّ/اشْتَرِيَتْ صِبَاهُنَّ/مِثْلَ الْبِذَارِ.../سَأَصْرُخُ:/بِاسْمِ الْعَذَارَى اللّوَاتِي/تَزَوَّجَتْهُنَّ /و طَلَّقَتْهُنَّ كَمَا تُشْتَرَى، وَبُعَا الْحَيُولِ/وَلَنْ أُرَاجِعَ عَمَّا أَقُول... (الصباح، د.ت: ۱۴۹-۱۵۰)

یعنی: انتقام خواهم گرفت.../ برای زنان سرگردان و بردبار.../ و دختران کم سن و سالی که جوانی آن‌ها را خریدی/ جوانی آن‌ها را خریدی/ مانند دانه‌ها ... فریاد برخوادم آورد: به نام دوشیزگانی که/ با آن‌ها ازدواج کردی.../ و طلاقشان دادی ... بدان گونه که اسبان خرید و فروش می‌شوند... / و از آنچه می‌گویم باز نخواهم گشت.

سعاد خواهان کسب علم و آزادی اندیشه برای زنان است و بر اینکه این حق انسانی و طبیعی فقط مختص جنس مرد باشد، اعتراض دارد و بر مردانه سرودن و نوشتن، و مردانه اندیشیدن می‌تازد و با طرح سؤالاتی انکاری می‌پرسد:

وَمَنْ قَالَ: لِلشَّعْرِ جِنْسٌ؟/وَلِلْفِكْرِ جِنْسٌ؟ (الصباح، ۱۹۹۷: ۱۷)

یعنی: چه کسی می‌گوید شعر هم جنسیت دارد؟/ و نثر جنسیت دارد؟/ و فکر جنسیت دارد؟ سعاد در شعر «العودة إلى الزنانة» با نگرشی متأثر از فرهنگ غرب که ریشه در گرایش‌های فمینیستی و غربی او دارد، وضع آزادی زنان عرب را به تصویر می‌کشد. از نگاه او، زن عرب در اروپا به رؤیاهایش می‌رسد و همچون کبوتری بال می‌گشاید و آزاد است؛ اما هنگام بازگشت به کشورش، همچون مرغی خانگی به زندانش باز می‌گردد و دگر بار گام در محدودیتی می‌نهد که مرد سنتی‌اش او را در آن محصور کرده است:

عِنْدَمَا تُسَافِرُ امْرَأَةً عَرَبِيَّةً إِلَى بَارِيسٍ... أَوْ لَنْدَنٍ... أَوْ رُومًا/تَأْخُذُ عَلَيَّ الْقُورِ شِكْلَ حَمَامَةٍ/ تُزْفِرُ فَوْقَ التَّمَائِيلِ/و تَحْسُو الْمَاءَ مِنَ التَّوْفِيرِ/و تُطْعِمُ بَيْدَهَا بَطَّ الْبُحَيْرَاتِ.../و فِي طَرِيقِ الْعُودَةِ.../عِنْدَمَا يَطْلُبُ قَائِدُ الطَّائِرَةِ رِبْطَ الْأَحْرِمَةِ/وَالامْتِنَاعَ عَنِ التَّدْحِينِ/يَتَبَدَّدُ الْحَلْمُ/و يُجْفُ مُوسِيقَى التَّوْفِيرِ/وَيَتَأَثَّرُ رِيَشَ الْبَطِّ الْأَبْيَضِ/و تَدْخُلُ مَعَ بَقِيَّةِ الدَّجَاجَاتِ/إِلَى فُنَّهَا... (همان: ۱۰۴)

یعنی: آن هنگام که زنی عرب به پاریس یا لندن و یا روم سفر می‌کند/سریع به شکل کبوتری در می‌آید/بر فراز مجسمه‌ها بال می‌زند/ و از آب فواره‌ها جرعه‌جرعه می‌نوشد/ و با دستانش به مرغابی‌های دریاچه‌ها غذا می‌دهد/... و در مسیر بازگشت.../وقتی که خلبان هواپیما می‌خواهد که کمربندها بسته شود/ و سیگار کشیدن ممنوع می‌شود/رؤیایا بر باد می‌رود/ موسیقی فواره‌ها خشک می‌شود/و پر سفید مرغابی پراکنده می‌شود/ و او همراه با دیگر مرغ‌ها وارد لانه اش می‌شود.

دفاع از هویت زن و مقابله با ظلم و تبعیض علیه زنان از اشتراکات فکری و شعری پروین و سعادت است؛ اما با خوانش تطبیقی که در اشعار این دو شاعر صورت گرفت، تفاوتی اساسی ملاحظه گردید و آن اینکه؛ محور اصلی اشعار سعادت، آزادی زنان، مردستیزی و مسائل مربوط به زنان است و در بسیاری از موارد با نگرشی فمینیستی به موضوع می‌نگرد؛ اما وضع اجتماعی و اقتصادی ناگوار جامعه، پروین را بر آن داشته که بیشتر به موضوعات اجتماعی و نابرابری طبقاتی بپردازد و آن را مهمتر از مسأله آزادی زنان بداند. البته این بدان معنی نیست که موضوع زنان از دید او پنهان مانده است، بلکه همان اندک شعری که در دیوان پروین ملاحظه شد، تا حدی، حق مطلب را در باب تعهد وی نسبت به مسائل زنان ادا کرده است. افزون بر آن، سرودن درباره زن وانعکاس مشکلات و ظلم‌هایی که در مورد وی صورت گرفته، علی‌رغم وجود برخی موانع دیرینه و ریشه‌دار در جامعه سنتی کویت، به مراتب برای سعادت، راحت‌تر بوده است؛ زیرا که سعادت هم به لحاظ موقعیت اجتماعی و خانوادگی، دارای آزادی و قدرت بیشتر بوده و هم اینکه قبل از وی شاعران زن و مرد دیگری در جوامع عربی برای احقاق حقوق زنان و انتقاد ظلم علیه آنان سخن سرایی کرده بودند و راه برای شاعرانی چون سعادت هموار گشته بود.

۲-۲- ظلم‌ستیزی، عدالت خواهی و انسان‌دوستی

پروین و سعادت از جمله شاعرانی هستند که در شعرشان، ظلم و ستم حاکم بر جامعه خود را ترسیم نموده‌اند، که نشان‌دهنده آگاهی و توجه این دو شاعر به محیط پیرامون خود و مبین حس بشردوستی شان است.

پروین شاعری انسان‌گراست و در جامعه استبداد زده دوران خود، نابرابری‌ها و جور و ستم زورگویان حاکم را لمس و با قلمش از مظلومان دفاع می‌کند. «عواطف بشردوستی و حمایت از مردم محروم و یتیمان و سالخورده‌گان و ستمدیدگان- که در شعر پروین به صورت واکنش

روحی لطیف و مادرانه بروز کرده- از درون جان او جوشیده و سرشار از صمیمیت و صداقت است و رنگ و ویژهٔ طبع و ذوق او را دارد.» (یوسفی، ۱۳۸۳ش: ۴۱۸)

پروین نیز همچون سعاد در ترسیم اوضاع ناگوار اجتماعی و ظلمی که به مردم سرزمینش رفته است، داد سخن می‌دهد و در شعر زیر لب به اعتراض می‌گشاید:

روز شکار، پیرزنی با قباد گفت کز آتش فساد تو، جز دود و آه نیست
روزی بیابا به کلبهٔ ما از ره شکار تحقیق حال گوشه‌نشینان گناه نیست
دزدم لحاف برد و شبان‌گاو پس نداد دیگر به کشور تو، امان و پناه نیست
حکم دروغ دادی و گفתי حقیقت است کار تباه کردی و گفתי تباه نیست
ویرانه شد ز ظلم تو، هر مسکن و دهی یغماگر است چون تو کسی، پادشاه نیست
(پروین اعتصامی، ۱۳۷۹ش: ۱۰۲)

پروین در این شعر با لحنی آرام؛ اما سرشار از حس نفرت و اعتراض، اوضاع آشفته و سراسر فساد، ظلم و ستم جامعه را به تصویر می‌کشد. پیرزن تهیدست و بی‌پروایی که با پادشاه-که مقصود همان شاه کشور است نه قباد- صحبت می‌کند و مشکلات و ناامنی کشور را برای او بیان می‌کند، در واقع خود پروین است و شاعر از نگاه این پیرزن و بگونه‌ای کنایی و نمادین زبان به اعتراض می‌گشاید.

سعاد نیز در جامعه‌ای استبدادی زندگی می‌کرد. از این رو، کاملاً طبیعی است که دفترهای شعری اش نیز رنگ ظلم‌ستیزی به خود بگیرد و این عقیدهٔ وی را در لابه‌لای اشعار خود منعکس نماید. در شعر زیر، سعاد به انتقاد از حاکمان و سیاستمداران جامعه‌اش برخاسته؛ سیاستمدارانی که همچون بازیگرانی ماهر، با دروغ و نیرنگ برای مردم نقش بازی می‌کنند و آنان را می‌فریبند. در واقع قدرت و سیاست آنان همچون دکانی است که در آن به تجارت مشغول هستند و ثروت و مال خود را با فریب و ستم بر مردم و کشتار آنان بدست می‌آورند:

فَمَنْ يَرْفَعُ عَنْ أَعْنَاقِنَا سَيْفَ الرِّينِ؟ / يَا زَمَانَ الْوَشِيِّ ... وَالرَّصِيعِ ... وَالْتَّشْطِيرِ... / يَا زَمَانَ الْاِثْمِيَّاتِ، شَبِعْنَا مِنْ دَكَائِنِ السِّيَاسَاتِ، وَعَشَّ اللَّاعِبِينَ (الصباح، ۱۹۹۷ ب: ۱۶۰-۱۶۱)

یعنی: چه کسی شمشیر پر سروصدا را از گردن ما برمی‌دارد؟ ای روزگار پر از ریا و دورویی... ای زمان سقوطها، سیر شدیم/از دکان‌داران سیاست و تقلب بازیگران.

شعر مذکور، از لحاظ محتوا و موضوع به قطعهٔ «اشک یتیم» پروین شباهت دارد و مسائلی همچون فریب‌کاری، ظلم و ستم به مردم و نیرنگ بازی حاکمان فاسد را برملا می‌کند:

فریاد شوق بر سر هر کوی و بام برخاست
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست؟
این اشک دیده من و خون دل شماسست
این گرگ سال‌هاست با گله آشناست
آن پادشاه که مال رعیت خورد، گداست
تا بنگری که روشنی گوهر از کجاست
(پروین اعتصامی، ۱۳۷۹ش: ۶۵)

روزی گذشت پادشاهی از گذرگهی
پرسید زان میانه یکی کودکی یتیم
نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته‌ست
آن پارسا که ده خرد و ملک، رهزن است
بر قطره سرشک یتیمان نظاره کن

در قطعه فوق، پروین نیز به سیاست و فریب پادشاه و آواره شدن کودکان یتیم اشاره دارد و اینکه تابناکی گوهر تاج پادشاه از اشک زلال چشم یتیمان و آوارگان نور می‌گیرد. در واقع، تمام قدرتمندان و پادشاه برای ثروت‌اندوزی و ظلم بر مردم فرودست، کمر بسته‌اند. ظلم‌ستیزی و انسان‌دوستی دو مقوله ناگسستنی هستند و اینگونه می‌توان بیان داشت که حس ظلم‌ستیزی به واسطه بشردوستی در فرد ایجاد می‌شود و هر انسان ظلم‌ستیزی قطعاً دوست‌دار انسانیت است.

نمونه اشعاری هم که از سعادت و پروین در بیان ظلم‌ستیزی آنان ذکر می‌شود، حاوی مفهوم بشردوستی و انسان‌دوستی نیز بوده و این دو مفهوم قابل تفکیک نیستند. در شعری که از سعادت آورده می‌شود، او به کشتار مردم مظلوم فلسطین توسط اشغالگران صهیونیست اشاره دارد. این قطعه در واقع بیان‌کننده رسالت واقعی شعر و شاعری در قبال این جنایات است؛ چراکه هیچ شاعر متعهدی نباید در برابر ظلم کرنش کند و سکوت نماید، بلکه بایسته است به جای در یوزگی از اشغالگران و ستایش آن‌ها، باید در قبال این سرکشی اشغال‌گران، زبان گویای مردم مظلومش باشد و به جای سکوتی تأییدوار، واژگان و جملات اشعارش افشاگر جنایت‌های قاتلان هم وطنانش برای تمام جهانیان باشد. سعادت این واقعیت تلخ و ناگوار را می‌بیند و از این رو، با مطرح کردن پرسش زیر، پرده از آن برمی‌دارد: در جایی که شاعران و هنرمندان با سلاح فرهنگی می‌توانند به آشکار ساختن واقعیات بپردازند، چرا باید برعکس عمل کنند؟

يَا زَمَانَ الْاِنْكِسَارَاتِ، لِمَاذَا؟/يَلْتَمُّ الشُّعْرُ نِعَالَ الْفَاتِحِينَ؟ /يَا زَمَانَ الْقَتْلِ فِي (صَبْرًا) وَ(شَاتِيلاً)../ لِمَاذَا يَسْكُتُ الشُّعْرُ أَمَامَ الدَّابِحِينَ؟/يَا زَمَانًا مَا لَهُ وَصْفٌ، لِمَاذَا؟/تَلْحَسُ الْكَلِمَةُ أَقْدَامَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ؟ (الصباح، ۱۹۹۷ب: ۱۶۱)

یعنی: ای زمان شکست‌ها، چرا؟ / شعر، برکفش پیروزمندان بوسه می‌زند؟ / ای زمان کشتار در «صبرا» و «شتیلا»... / چرا شعر در برابر قاتل‌ها سکوت می‌کند؟ / ای زمانی که هیچگونه وصفی نداری... / چرا؟ / کلمات، گامهای حکام را لیس می‌زنند؟

بطور کلی، پس از بررسی تطبیقی شعر پروین و سعاد در ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و انسان-دوستی، باید گفت که با توجه به اینکه پروین در قیاس با همتای کویته‌اش، بیشتر طعم فقر را چشیده و از نزدیک شاهد ظلم‌ها، بی‌عدالتی‌ها و دردهای مردمان سرزمینش بوده است، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در شعر وی از بسامد بیشتری برخوردار است. از جمله این اشعار می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: صاعقهٔ ما ستم اغنیاست، ای رنجبر، تیره بخت، شکایت پیرزن، اشک یتیم، گنج امین، دو قطره خون، دزد و قاضی، مست و هشیار، نامه به انوشیروان، دزد خانه، اندو فقر و... .

۲-۳ آزادی‌خواهی

یکی دیگر از موضوعات مطرح در شعر سعاد و پروین بحث آزادی‌خواهی است. این دو شاعر در اشعارشان، مردم را به مبارزه و آزادی‌خواهی دعوت می‌کنند. سعاد از شاعران می‌خواهد که به ستایش زورگویان پایان دهند و مذلت را بر خود روا ندانند و به یاری شعر و نوشتار خود به مبارزه برخیزند:

يا الذی یحْفُزُنِي حَتَّى الْعِيَاءِ... / كَيْفَ تَرْضَى مَوْفَقَ الذُّلِّ، / أَلَيْسَ الشُّعْرُ إِبْنُ الْكِبْرِيَاءِ؟ (همان: ۱۶۶)

یعنی: ای آنکه تا سر حد خستگی مرا می‌کاوی... / چگونه روش مذلت را می‌پسندی، / مگر نه اینست که شعر، فرزند غرور است؟

پروین نیز خطاب به رنجبر از او می‌خواهد که ترس از قدرتمندان را کنار بگذارد و کسانی را که خون مردم را همچون زالو می‌مکند، قلع و قمع کند:

از حقوق پایمال خویشتن کن پرسشی چند می‌ترسی ز هر خان و جناب؟ ای رنجبر
جمله آنان را که چون زالو مکندت خون ریز و ندر آن خون دست و پای کن خضاب ای رنجبر!
(پروین اعتصامی، ۱۳۷۹، ش: ۱۴۰)

سعاد علاوه بر دعوت دیگران به قیام برضد ظلم، از مبارزهٔ خود علیه پادشاهان زورگو سخن می‌گوید و با شجاعت اعلام می‌دارد که به حزب بیچارگان و ضعیف نگه داشته شدگان، خواهد پیوست:

وَبَشْرَى.../وَصُرَاحَى.../وَانْفِجَارَاتِ دِمَائِي.../أَتَّخِذِي أَلْفَ فِرْعَوْنَ عَلَى الْأَرْضِ،/وَأَنْضَمُّ لِحِزْبِ الْفُقَرَاءِ. (الصباح، د.ت:

۱۳۸)

یعنی: و با نثر خود.../و فریاد خویش.../و منفجر شدن خونم.../علیه هزاران فرعون زمینی به مبارزه برمی‌خیزم/و به حزب فقیران می‌پیوندم.

پروین غیرمستقیم و از زبان افرادی دیگر به رنج و محنت افراد ضعیف و درمانده جامعه اشاره می‌کند. در اشعار وی حاکمان، قاضیان، والیان و پارسایان چهره‌ای مثبت ندارند؛ چرا که آنان در ظاهر خود را افرادی دین‌دار و حافظ جان و مال مردم نشان می‌دهند؛ اما «چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند.»

کای پسر، این پیشه پس از من تورا ست
نوبت خون خوردن و رنج شماست
صاعقه ما ستم اغنیاست
از چه، به یک کلبه تو را اکتفاست؟
خون فقیران ز چه رو بی بهاست؟
رحمت و انصاف، چرا کیمیاست؟
قصه زور است، نه کار قضاست
(پروین اعتصامی، ۱۳۷۹ش: ۶۲)

برزگری پند به فرزند داد
مدت ما جمله به محنت گذشت
گفت چنین، کای پدر نیک رای
از چه شهان ملک‌ستانی کنند
کار ضعیفان ز چه بی‌رونق است
عدل، چه افتاد که منسوخ شد
پیر جهان‌دیده بخندید کاین

پروین همچنین در شعرهای «مست و هشیار»، «دزد و قاضی»، «نازآمده»، «نامه به نوشروان» و «مناظره میان دو قطره خون» به نابرابری‌ها، فقر، فساد، ریا و ستمی که بر ضد مردم صورت می‌گیرد، اشاره می‌کند.

سعادت و پروین، طرفدار مظلومان و ستم‌دیدگان بودند و به هواداری از قشر ستم‌دیده برخاسته‌اند. پروین بیشتر به اوضاع فقرا، افراد فرودست و یتیمان و ظلم و ستم اربابان، پادشاهان، قاضیان و والیان اشاره دارد. سعادت چون در خانواده‌ای اشرافی تربیت یافته، اشارات او به موضوع فقر چندان ملموس نیست، وی بیشتر خواهان برقراری عدالت جنسیتی و رفع ستم و احقاق حقوق مظلومان و زنان است؛ اما بطور کلی با توجه به شباهت نسبی شرایط اجتماعی، سیاسی و جو استبداد زده و ظالمانه وطن دو شاعر، هدف هر دو انعکاس شرایط موجود در راستای ظلم‌ستیزی و انسان‌دوستی است.

۳. درونمایه‌های متفاوت در شعر پروین و سعادت

پروین و سعاد هر دو متعلق به کشورهای جهان سوم، از جمله جهان فکری ایران و عرب با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی نسبتاً مشترک هستند. از این رو، به دلیل داشتن دیدگاه‌های مشترک در بعضی موضوعات، دنیای فکری شان به یکدیگر شباهت دارد؛ اما در برخی مسائل دارای نقاط اختلاف بوده و نظری متفاوت دارند. این بخش به موارد اختلاف نظر آنها اشاره داشته و به بررسی آنها می‌پردازد.

۳-۱ عاطفه و عشق مادری

پروین و سعاد نیز به تبع اوضاع اجتماعی، فرهنگی و زندگی شخصی، در مورد نقش و احساس مادرانه نظری متفاوت از یکدیگر دارند. دیوان پروین مملو از اشعار زیبایی است که احساسات و عواطف مادرانهٔ پروین نسبت به فرزند و کودک را منعکس می‌کند و امواج احساسات مادرانه را بر ساحل وجود می‌ریزد.

پروین با آنکه مادر نشد و حس مادر شدن را هرگز تجربه نکرده است؛ اما به دلیل روح لطیف و عاطفی و توجه بسیار به کودکان بی‌مادر و محروم از محبت مادرانه، به خوبی از عهدهٔ بیان عواطف و عشق مادرانه در دیوان خویش برآمده است. اکثر نقش‌هایی که مادر در اشعار پروین دارد، نشأت گرفته از نگرش مثبت پروین به مقولهٔ عاطفهٔ مادری است؛ اما سعاد اگرچه در مواردی گاه گذرا به مسائل مربوط به مادر اشاراتی کرده است؛ اما برخلاف پروین - هر چند مادر شدن را تجربه کرده است - دید مثبتی به نقش و احساس مادرانه ندارد و در اکثر موارد نسبت به فرزند نگرش محبت آمیز و ترحم گونه نداشته و بیشتر بر بعد رنج‌کشی و شکوه‌گری از مادر بودن تأکید ورزیده و به جای پرداختن به مسائلی چون محبت مادری، تربیت فرزند و دلسوزی برای او، بیشتر از بی‌توجهی و توهین‌های فرزند خشمگین است.

«پروین در قطعاتش کاملاً مادرانه سخن می‌گوید. او احساس مادری را می‌ستاید و به هیچ وجه آن را یک نقطه ضعف برای زن نمی‌داند. نمونهٔ آن قطعهٔ «حدیث مهر» است که در آن، لذت مادر شدن را از زبان کبوتری برای گنجشک بازگو می‌کند.» (خادم از غدی، ۱۳۸۶: ۶۰) وی در این شعر «لطیف‌ترین احساسات مادرانه و عشق و محبت توصیف‌ناپذیر مادر را بیان می‌کند. این شعر مناظره‌ای است بین یک ماده گنجشکِ فارغ و آزاد و بی‌مسئولیت و کبوتری که جوجه‌های خود را زیر بال و پر خود گرفته و مراقب آنهاست. گنجشک، کبوتر را به ترک آشیانه و گشت و گذار در بوستان و بهره‌گیری از لذایذ و نعمات طبیعت دعوت می‌کند؛ اما کبوتر در پاسخ او،

ضمن گوشزد کردن وظیفه مادری و لذت بچه داری، منزلت فرزندان در نظر مادران را چنین مطرح می‌کند.» (مهدی پور، ۱۳۸۶ش: ۳۲۵-۳۲۶)

گنجشک خرد گفت سحر با کبوتری
گفتا حدیث مهر بیاموزدت جهان
گرد تو چون پر شود از کودکان خرد
شیرین نشد چو زحمت مادر، وظیفه‌ای

کآخر تو هم برون کن از این آشیان سری
روزی تو هم شوی چو من ای دوست
جز کار مادران نکنی کار دیگری
فرخنده‌تر ندیدم از این، هیچ دفتری

(پروین اعتصامی، ۱۳۷۹ش: ۱۹۳)

«از نظر پروین پاکی و عفاف زن نگه‌دارنده پایه‌های خانواده و نیز پروراندن انسان‌های بزرگ است، همه انسان‌های بزرگ تاریخ در آغوش مادر آرمیده‌اند و بعد از آغوش مادر است که پله‌های ترقی و بزرگی و حکمت را پشت سر گذاشته‌اند.» (محمدی، ۱۳۸۷ش: ۹)

اگر فلاطون و سقراط، بوده‌اند بزرگ
به گاهواره مادر، به کودکی بس خفت
چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه
بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان
شدند یکسره، شاگرد این دبیرستان

(پروین اعتصامی، ۱۳۷۹ش: ۱۷۱)

پروین در کنار توجه خاص به نقش مهم و سازنده مادران زمانه خود، از مادران نسل آینده غافل نیست و در شعر زیر بیان می‌کند که دختران امروز مادران فردا، نقش و مسئولیت خطیری بر عهده دارند؛ (رادپور، ۱۳۷۷ش: ۴۲) زیرا بزرگی مردان از دامن زنان است:

همیشه دختر امروز، مادر فرداست
ز مادرست میسر، بزرگی پسران

(پروین اعتصامی، ۱۳۷۹ش: ۲۹۸)

در اشعاری که از پروین ذکر شد، او به نقش اصلی و مهم مادر اشاره می‌کند که همانا تربیت و پرورش فرزند و راهنمایی و هدایت اوست و آن را از وظایف مادرانه می‌داند و با زبان تمثیل و حکایت آن را به مادران و زنان توصیه می‌کند. از این رو، وی در کنار احساس مادرانه توجهی خاص به فرزند و کودک دارد؛ بگونه‌ای که «در شعر پروین ۲۸ بار واژه طفل و ۳۶ بار کودک و کودکی بکار رفته است.» (حسینی، ۱۳۸۶ش: ۱۲۸) اما سعادت گرفتار بدبینی و بدگمانی نسبت به جامعه و حتی فرزندان است و دیدگاه انتقادی وی در اشعارش تا حدودی افسار گسیخته جلوه‌گر می‌شود. او ضمن زدن مرد با دوران کودکی، خطاب به مرد، خود را مادری بی-

ارزش، مسخ شده و بی‌اختیار می‌داند که حتی توانایی نه گفتن به پسرش را هم ندارد، حتی اگر مادر او باشد. سعاد برای مادر بودن ارزش چندانی قائل نیست، او مادر بودن و محبت کردن به فرزندان را تاوان زن بودن خود می‌داند و عشق و محبت خود به فرزندش را هم امری غریزی تلقی می‌کند:

لا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَقُولَ لَكَ : لا.. / وَلَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَقِفَ فِي وَجْهِ نَزْوَاتِكَ الصَّغِيرَةِ .. / فَأَنْتِ تَسْتَغْلِي طُفُولَتَكَ بِذَكَاءٍ / وَأَنَا أَدْفَعُ مَنْ أُمُومَتِي (الصباح، ۱۹۹۷ الف: ۸۰)

یعنی: نمی‌توانم به تو بگویم نه/ و نمی‌توانم در برابر تمایلات بی‌ارزش تو بایستم/ تو کودکی خود را/ با هوشیاری مورد استفاده قرار می‌دهی/ و من تاوان مادری خود را می‌پردازم. سعاد در شعر «کودک» از رنج و زحمات مادر برای رشد و پرورش فرزندش سخن گفته و از اینکه چگونه کودک پس از این همه تلاش و زحمت مادر آنها را نادیده می‌گیرد، ابراز ناراحتی می‌کند. کودکی که اکنون بزرگ شده، همچون مردان متعصب و کوتاه نگر و به ظاهر روشنفکر، مادری را که در دامان او بزرگ شده است، ناقص‌العقل می‌خواند:

يَرْضَعُ الطُّفْلُ مِنْ ثَدْيِ أُمِّهِ / حَتَّى يَشْبِعَ .. / وَيَقْرَأُ عَلَى ضَوْءِ عَيْنَيْهَا / حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقِرَاءَةَ وَالكِتَابَةَ .. / وَعِنْدَمَا يَصْبَحُ رَجُلًا / يَضَعُ سَاقًا فَوْقَ سَاقٍ / فِي أَحَدِ مَقَاهِي الْمُتَّقِينَ / وَيَعْتَدُ مُؤَمَّرًا صُخْفِيًّا يَقُولُ فِيهِ: / إِنَّ الْمَرْأَةَ بِنَصْفِ عَقْلِ .. / وَبِنَصْفِ دِينٍ / فَيَصْفُقُ لَهُ الذُّبَابُ / وَغَرَسُونَثُ الْمُقَهِّي (الصباح، ۱۹۹۷ الف: ۱۱۰)

یعنی: کودک از پستان مادر شیر می‌خورد و رشد می‌کند/ و کودک از نور چشم مادر/ خواندن و نوشتن می‌آموزد.../ وقتی برای خودش مردی می‌شود/ پا روی پا می‌اندازد/ و در یکی از کافه-تریاهای روشنفکران/ کنفرانس مطبوعاتی ترتیب می‌دهد و در آن می‌گوید: / عقل زن کامل نیست/ و دین زن ناقص است/ و به افتخار این سخن/ مگس‌ها و گارسون‌ها برایش کف می‌زنند! از معدود مواردی که سعاد در آن به وظایف مادری همچون فرزندآوری، رسیدگی به فرزند، لالایی خواندن برای فرزند و... پرداخته است، شعر «أمومه» است که در آن نیز با آوردن جمله «أحياناً يخطر لي» در آغاز شعر به خواننده می‌فهماند که این احساس اصیل مادرانه، امری گذرا بوده و دوام ندارد:

أحياناً يَخْطُرُ لِي أَنْ أَلِدَكَ / لِأَحْمَمِكَ / وَأُنَشِّفَ قَدَمَيْكَ / وَأُمَشِّطُ شَعْرَكَ النَّاعِمِ / وَأُعْتِي لَكَ قَبْلَ أَنْ تَنَامَ (الصباح، ۱۹۹۷ الف: ۱۱۵)

یعنی: گاهی به ذهنم خطور می‌کند که تو را به دنیا بیاورم/ تا حمامت کنم/ و پاهایت را خشک کنم/ و موهای نرمت را شانه کنم/ و پیش از خواب برایت آواز بخوانم.

بطور کلی، سعاد، دید مثبتی به نقش مادری زن ندارد، هرچند در اشعارش از واژه‌های احساسی و عاطفی و مخصوص جنس زن فراوان استفاده شده است؛ اما احساس خالص مادرانه در شعر وی چندان پررنگ نیست و فقط در چند شعر محدود به این احساس اشاراتی می‌کند؛ اما پروین «هر چند عملاً توفیق مادر بودن را نیافته است، اما در مقام سخن و در لابلای دیوان اشعارش، سیمای یک مادر آگاه، وظیفه شناس، مهربان وفداکار را دارد.» (مهدی پور، ۱۳۸۶ش: ۳۲۵) و در کنار انبوه اشعاری که به عواطف مادری می‌پردازد، کلمات و عباراتی که بیان‌کننده احساسات مادرانه زنان می‌باشد، در شعر پروین پربسامدتر و زیباتر بکار رفته است.

جدول بسامد اشعار پروین پیرامون عاطفه و حس مادرانه

موضوع	تعداد بسامد در شعر شاعر	نام اشعار
نصیحت و پند و اندرز مادرانه و نمایاندن راه و رسم زندگی به فرزند	۷	کمان قضا، مادر دوراندیش، رنج نخست، کودک آرزومند، قلب مجروح، معمار نادان، آرزوی پرواز
نقش مادر در فرزند پروری و تربیت زنان و مردان شایسته و تأثیر او در استحکام و نظم بنیان خانواده	۴	فرشته انس، فریاد حسرت، نهال آرزو، آشیان ویران
بیان رنج‌ها و سختی‌های حاصل از بی‌مادری و بی‌نصیب بودن از محبت و توجه مادر	۵	طفل یتیم، تیره بخت، تهدست، ای گربه (مهر مادری) بام شکسته
بیان شادی و لذت حاصل از تجربه مادری و سعی و تلاش مادر در حفاظت از فرزندان	۵	حدیث مهر، آرزوی مادر، ای مرغک، لطف حق، یاد یاران

جدول بسامد اشعار سعاد در باب عاطفه و حس مادرانه

موضوع	تعداد بسامد در شعر شاعر	عنوان اشعار
احساس ناخوشایند از مادر بودن و رنج کشی مادر و ظلم و توهین به او از طرف فرزند	۵	ثمن الأمومة، عقوق، ابتزاز، العمل البدوی، فتافیت امرأة
اهمال‌گری مادر و بی‌توجهی به تربیت فرزند	۱	بصمات
آمیزش احساس ناخوش‌آیند همراه با خشم و طوفان درونی مادر	۱	القمر والوحش
اشاره گذرا به وظایف مادر (فرزند آوری و نگهداری از فرزند)	۱	أمومة

۲-۳ احساسات عاشقانه و عشق‌ورزی

آداب و رسوم حاکم بر جامعهٔ پروین و سعاد گواه این حقیقت است که مردان آزادی بیشتری در بیان عشق داشته‌اند. هر دو شاعر در بیان ابراز عشق خود با محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده‌اند؛ اما با وجود این، در رابطه با موضوع عشق سخن‌سرایی کرده‌اند، ولی هم نوع عشقی که ابراز کرده‌اند و هم شیوهٔ بیان آن با هم تفاوت دارد.

«موضوع عشق در شعرهای سعاد محوری اساسی است که بقیهٔ مفاهیم حول این محور می‌چرخد.» (الصباح، ۱۳۹۱ش: مقدمهٔ مترجم) سعاد در ابراز احساسات عاشقانه، آزادی، بی‌پردگی و صراحت بیشتری دارد؛ اما عشق پروین، پایه و اساس هستی بوده و در وجود تمام موجودات جریان دارد، حال آنکه سعاد در بیشتر موارد، پا را فراتر نهاده و کاربست عشق زمینی و بی‌پرده در شعرش از بسامد بیشتری برخوردار است. «محبت و عشق حقیقی است که بن‌مایهٔ اشعار پروین را تشکیل می‌دهد و در سراسر دیوانش جلوه‌گری می‌کند.» (احیایی و خسروی، ۱۳۸۶ش: ۱۲۳-۱۲۴) پروین معتقد است که در عشق حقیقی، عاشق باید جان و تمام وجود خود را قربانی معشوق کند:

ای خوشا مستانه سر در پای دلبر داشتن
سوختن، بگداختن چون شمع و بزم افروختن
اشک را چون لعل پروردن به خوناب جگر
دل تهی از خوب و زشت چرخ اخضر داشتن
تن به یاد روی جانان اندر آذر داشتن
دیده را سوداگر اقاوت احمر داشتن
(پروین اعتصامی، ۱۳۷۹ش: ۱۷۲)

اما در مقولهٔ عشق مادی، پروین بی‌پردگی و صراحت‌گویی نمی‌کند و از دایرهٔ تمثیل، نماد و کنایه پا را فراتر نمی‌نهد. او «در بیان عشق زمینی در برخی از اشعارش از زبان گل و بلبل به شرح ویژگی‌های عاشقی می‌پردازد و احساس و اشتیاق درونش را از زبان آن‌ها بیان می‌کند.» (احیایی و خسروی، ۱۳۸۶ش: ۱۲۵)

نهفت چهره گلی زیر برگ و بلبل گفت
مسوز ز آتش هجران، هزارستان را
مپوش روی، به روی تو شادمان شده‌ایم
به کوی عشق تو عمریست داستان شده‌ایم
(پروین اعتصامی، ۱۳۷۹ش: ۱۵۸)

عشق واقعی در نظر پروین آن است که از صمیم قلب، پاک و عذرا باشد و عاشق راستین کسی است که در وادی دلدادگی، پاک باز و راستین باشد و در راه معشوق جان بر کف نهد:

عشق آن است که در دل گنجد
سخن است آنکه همی بر دهن است

بهر معشوقه بمیرد عاشق کار باید، سخن است این، سخن است

(همان: ۸۳-۸۴)

«پروین به آن عشقی باور دارد که به حقایق، معنویات و معقولات وابسته است. عشقی که بنیان آفرینش انسان بر آن نهاده شده است، چنین عشقی متعالی و والامقام، شعر پروین را با آینده‌های دور پرتاب نموده است.» (غفار، ۱۳۸۶ش: ۲۴۱) در واقع، عشق پروین، بیان‌کننده اعتقادات اوست، عشق او رنگ مذهب به خود گرفته و در مسلک عاشقی، کم‌تر به خطا رفته است. هرچند او از عشق و خصوصیات آن، از عاشق و معشوق و از درد جدایی، بارها سخن گفته است؛ اما در هیچ یک از اشعارش به صراحت و روشنی به این مسأله نپرداخته است؛ اما سعادت، به دنبال عشق در قالب‌های مختلف است و به صراحت و آشکارا به مسأله عشق در اشعارش اشاره می‌کند. وی خصوصیات عشق را با الفاظی معمولی و مرسوم بیان داشته و بیشتر صفاتی را مطرح ساخته که خارج از عالم ماده نیست. اشعار عاشقانه سعادت کوششی است برای برداشتن موانعی که بین زن و حق طبیعی‌اش در سخن گفتن، محبت کردن و زندگی کردن، فاصله انداخته است.

سعادت بی‌هراس و آشکارا از جنسیت خود و احساساتش درباره عشق سخن گفته است. در جامعه تنگ‌نظر کویت، او برخلاف جریان معمول و مرسوم جامعه‌اش حرکت می‌کند و در این راه؛ یعنی ابراز صریح عشق و احساسات قلبی خود با مشکلات بسیاری روبرو می‌شود. سعادت همچون فروغ؛ همتای معاصر ایرانی‌اش و بسان غاده السمان؛ هم زبان سوری‌اش، در بیان علاقه و عشق خود، بی‌باک سخن می‌گوید:

أَقُولُ بِالْقَمِّ الْمَلَانِ: / أُجِبُّكَ / أَقُولُ بِاللُّغَاتِ الَّتِي أَعْرِفُهَا / وَبِاللُّغَاتِ الَّتِي لَا أَعْرِفُهَا / أُجِبُّكَ / أَقُولُ فِي اجْتِمَاعِ عَامٍ / تَحْضُرُهُ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَبَقِيَّةُ الْكَوَاكِبِ / أُجِبُّكَ / فَأَنَا لَا أَحْتَرِّمُ حَبًّا / يَلْبَسُ الْأَفْعَى (الصباح، ۱۹۹۷ الف:

(۱۱۸)

یعنی: با دهانی پر می‌گویم: / تو را دوست دارم / به همه زبان‌هایی که می‌دانم / به همه زبان‌هایی که نمی‌دانم / می‌گویم: / تو را دوست دارم / در نشستی عمومی / با حضور خورشید و ماه و ستاره - ها / می‌گویم: / تو را دوست دارم! / پس من عشقی را که در پس نقاب باشد، دوست ندارم.

موضوع عشق، جایگاهی ویژه در اشعار سعادت دارد و یکی از اموری که وی را بر آن داشته تا بخش عظیمی از شعر خود را به این موضوع اختصاص دهد، ارتباطی است که بین عشق و آزادی وجود دارد (نابلسی، ۱۹۹۰م: ۶۵) در نظر سعادت اگر زنی از پی بیان احساسات زنانه‌اش در باب عشق، کشته نشود، آزادی و دموکراسی واقعی تحقق یافته است؛ زیرا زن کویتی در جامعه‌ای

مردسالار زندگی می‌کند که حتی حق صحبت کردن را در اجتماع ندارد؛ زیرا این کار امری زشت و ناپسند شمرده می‌شود. پس در چنین جامعه‌ای سخن از عشق گفتن فضاحتی بزرگ‌تر است و جریمه‌ای سنگین‌تر در پی خواهد داشت. (الصباح، ۱۹۹۱م: ۱۶)

لَيْسَتْ الدِّيمُوقْرَاطِيَّةُ/أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ رَأْيَهُ فِي السِّيَاسَةِ/ دُونَ أَنْ يَعْتَرِضَهُ أَحَدٌ/ الدِّيمُوقْرَاطِيَّةُ أَنْ تَقُولَ الْمَرْأَةُ/ رَأْيَهَا فِي الْحُبِّ.../دُونَ أَنْ يَقْتُلَهَا أَحَدٌ! (الصباح، ۱۹۹۷ الف: ۵۱)

یعنی: دموکراسی این نیست/ که مرد نظرش را دربارهٔ سیاست بگوید/ و کسی هم به او اعتراض نکند/ دموکراسی این است که/ زن نظرش را دربارهٔ عشق بگوید/ و کسی او را نکشد!

سعاد از معشوق خود درخواست دارد که دوست او باشد و فقط به زیبایی ظاهری او عشق نورزد، بلکه، عقل و دانش و درایت او را درک کند. او از مرد شرقی انتقاد می‌کند که فقط مجذوب ظاهر زن است و توجهی به دغدغه‌های و خواسته‌های کوچک او ندارد. سعاد عشقی را که به نیازهای روحی و عاطفی زن توجه کند و معشوقی که برای زن ارزش و شخصیت قائل باشد، قبول دارد:

كُنْ صَدِيقِي/كُنْ صَدِيقِي/كَمْ جَمِيلٌ لَوْ بَقِينَا أَصْدِقَاءَ/إِنَّ كُلَّ امْرَأَةٍ تَحْتَاجُ أَحِبَّائًا إِلَى كَفِّ صَدِيقٍ.../وَكَلَامٍ طَيِّبٍ تَسْمَعُهُ.../ وَإِلَى خِيْمَةٍ دَفِّءٍ صُنِعَتْ مِنْ كَلِمَاتٍ/ لَا إِلَى عَاصِفَةٍ مِنْ قُبُلَاتٍ... (همان: ۷)

یعنی: بیا و دوست من باش/ چه زیباست اگر دوست هم باشیم/ هر زنی گاه محتاج دست دوستی است/ محتاج سخنی خوش/ محتاج خیمهٔ گرمی که از کلمات ساخته شده است/نه نیازمند طوفان بوسه‌ها...

و در نهایت، از نظر سعاد مردان متهم به خودبینی و دنبال کردن خواسته‌ها و هوس‌های خود هستند و در نزد آنان اندیشه، خواسته‌ها و هویت زنانهٔ زن، امریست بی‌مقدار و خارج از دایرهٔ توجه مرد:

فَلِمَاذَا- أَيْهَا الشَّرْقِيُّ- تَهْتَمُّ بِشَكْلِي؟/وَلِمَاذَا تَبْصُرُ الْكُحْلَ بِعَيْنَيْ.../ وَلَا تَبْصُرُ عَقْلِي؟...لِمَاذَا الرَّجُلُ الشَّرْقِيُّ.../وَلِمَاذَا لَا يَبْزِي فِيهَا سِوَى قِطْعَةٍ خُلُوي.../وَزَغَالِيلِ حَمَام.../وَلِمَاذَا يَقْطِفُ التُّفَّاحَ مِنْ أَشْجَارِهَا؟... ثُمَّ يَنَام... (همان: ۸ و ۱۲)

یعنی: ای مرد شرقی/ چرا فقط به چهرهٔ من توجه داری؟/ چرا فقط سرمهٔ چشمانم را می‌بینی/ و عقلم را نمی‌بینی.../ چرا مرد شرقی/ زن را فقط مثل یک تکه شیرینی/ و جوجه کبوتر می‌بیند/ چرا از درخت قامت زن/ سیب می‌چیند و سپس به خواب می‌رود!

در شعر فوق، سعاد به دنبال معشوقی فراتر از حساب‌های مادی و جنسی است. معشوقی که مایه آرامش روحی او باشد. وی می‌خواهد که مرد شرقی دیدگاه خود را نسبت به زن تغییر دهد و «فقط با نگاه مادی و منحصر به جسم زن و زیبایی‌های ظاهری او ننگرد؛ زیرا از نظر وی، نگاه اینگونه و بی‌توجهی به فکر و شخصیت و نظر زن نوعی بی‌احترامی و خوار شمردن زن به عنوان یک انسان است.» (حسین العفیف، ۲۰۱۱م: ۱۹۷) از این روست که از مردش می‌خواهد که نه فقط همسر، بلکه دوست او باشد.

نتیجه

نتایج پژوهش حاضر به شرح زیر است:

۱. هر دو شاعر مدافع حقوق زنان و خواهان احقاق حقوق آنانند و ایشان را به آزادی خواهی، کسب آگاهی، انقلاب فرهنگی و گسستن از بندهای نادانی دعوت می‌کنند. تلاش پروین بیشتر متوجه روح عرفانی زن است و تاکید بر حضور زن در خانه و ارج نهادن این حضور توسط مردان دارد؛ اما سعاد اوضاع زنان عرب در گذشته و امروز را به تصویر می‌کشد و آن را بر نمی‌تابد. از این رو، به آن اعتراض می‌کند، بگونه‌ای که باید اشعار سعاد درباره زنان و موضوعات مطرح شده در آن را نوعی مانیفست (بیانیه) فمینیستی در دفاع از حقوق زنان قلمداد کرد.
۲. ظلم‌ستیزی و انسان‌دوستی با انعکاس اوضاع نابسامان و سراسر فساد جامعه در اشعار هر دو شاعر نمود پیدا کرده است. پروین شاعری انسان‌گراست که با زبان کنایه و تلویح به دفاع از مظلومان و ستم‌ستیزی پرداخته است. سعاد در اشعار خود، با لحنی بی‌پرده، به ستم حاکمان و فریبکاری آنان و بی‌توجهی به حقوق ملت‌ها اعتراض می‌کند.
۳. سعاد دید مثبتی به نقش مادری یک زن ندارد و آن را امری غریزی می‌داند؛ اما پروین نقش مادری را می‌ستاید و در شعرش واژه‌هایی که بیان‌کننده احساسات مادرانه زنان هستند، بسیار پربسامدتر است.
۴. احساسات عاشقانه در اشعار سعاد بی‌پرده و صریح بیان شده است؛ اما پروین هر چند بارها از عاشق و معشوق و درد جدایی سخن گفته است، در هیچ یک از اشعارش صراحتاً به این مسأله اشاره نکرده است.

۵. بسامد اشعاری که در مورد مسائل زنان و زنانگی است، در دفترهای شعری سعاد بسیار بیشتر از اشعار پروین است، در مقابل، توجه پروین بیشتر به مسائل اجتماعی و طبقاتی مردم بوده است.

۶. فقر از مقوله‌هایی است که بسیار مورد توجه پروین بوده و در شعرش انعکاس یافته است؛ اما سعاد به دلیل زیستن در خانواده‌ای متمول چندان آن را حس نکرده است. ابه این سبب، مقولهٔ فقر در اشعار او از بسامد چندان بر خوردار نیست.

پی نوشت‌ها:

۱. با توجه به گردآوری مطالب این بخش از کتب مختلف، رک: الرشید، ۱۹۸۷م: ۲۴۲-۲۵۳؛ الصانع، ۲۰۰۳م: ۹-۳۱؛ ابوحاکمه، د.ت: ۲۲۷-۲۳۳؛ صادق، ۲۰۰۹م: ۴۱۱-۴۶۳؛ المعوش، ۲۰۱۱م: ۳۷-۹۹؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۹۰ش: ۱۵-۱۸ و ۵۴-۵۷ و ۷۰-۷۴ و ۲۱۱؛ حسام، ۱۳۸۲ش: ۶۱-۱۸۰؛ رهبری، ۱۳۸۹ش: ۷-۲۶ و ۷۲-۹۵ و ۱۶۴-۱۷۰، ابراهیمی فر، ۱۳۹۲ش: ۱۲-۱۷.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. آژند، یعقوب. (۱۳۸۳ش). انواع ادبی در ایران امروز؛ چاپ اول، تهران: قطره.
۲. ابراهیمی فر، طاهره و فرزانه دشتی. (۱۳۹۲ش). «نابرابری‌های اجتماعی در اشعار پروین اعتصامی»؛ مجلهٔ پژوهش‌های سیاسی، سال ۳، شماره ۶، صص ۸-۳۶.
۳. احيایی، لاله و کبری خسروی. (۱۳۸۶ش). «عشق در آینهٔ اشعار پروین اعتصامی و نازک الملائکه»؛ مجلهٔ سخن عشق، ویژهٔ تعامل ادبی ایران و جهان، شماره ۳۳ و ۳۴، صص ۱۱۹-۱۳۴.
۴. اعتصامی، پروین. (۱۳۷۹ش). دیوان اشعار؛ به کوشش حسن احمدی گیوی، با مقدمهٔ ملک الشعراء بهار، چاپ سوم، تهران: قطره.
۵. اعتصامی، ابوالفتح. (۱۳۸۸ش). «تاریخچه زندگانی پروین اعتصامی»؛ معجزهٔ پروین: مجموعه مقالات، به اهتمام مجید قدمیاری، تهران: سخن، چاپ اول، صص ۱۷-۲۵.
۶. افروغ، عماد. (۱۳۷۷ش). فضا و نابرابری اجتماعی؛ چاپ اول، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دفتر نشر آثار علمی.

۷. امیرقاسم خانی، پروین. (۱۳۷۶ش). «مایه‌های زنانه در اشعار پروین»؛ یادمان پروین: مجموعه مقالات، گردآورنده سید محمود طباطبایی اردکانی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، صص ۱۳۶-۱۴۰.
۸. ثروتیان، بهروز. (۱۳۸۶ش). «باورها و اندیشه‌های پروین اعتصامی»؛ مجله کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴، صص ۱۰-۲۵.
۹. جمال الدین، محمد سعید. (۱۳۸۹ش). ادبیات تطبیقی: پژوهشی تطبیقی در ادبیات عربی و فارسی؛ ترجمه سعید حسام پور و حسین کیانی، چاپ اول، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
۱۰. حسام، فرحناز، (۱۳۸۲ش). دولت و نیروهای اجتماعی در عصر پهلوی اول؛ چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. حسینی، مریم. (۱۳۸۶ش). «جلوه‌های رومانتیسم در شعر پروین اعتصامی»؛ مجموعه مقالات کنگره نکوداشت پروین اعتصامی، به کوشش منوچهر اکبری، تهران: خانه کتاب، چاپ اول، صص ۱۱۷-۱۳۲.
۱۲. خادم ازغدی، مریم. (۱۳۸۶ش). «زنانگی در شعر پروین»؛ نشریه فرهنگ و هنر (شعر)، شماره ۵۲، صص ۵۷-۶۲.
۱۳. درودیان، ولی الله. (۱۳۸۸ش). «شعر و زندگی پروین اعتصامی»؛ معجزه پروین: مجموعه مقالات، به اهتمام مجید قدمیاری، تهران: سخن، چاپ اول، صص ۲۱۹-۲۳۳.
۱۴. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی. (۱۳۹۰ش). کویت؛ چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۵. ذاکر حسین، عبدالرحیم. (۱۳۷۷ش). ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت؛ ج ۲، چاپ اول، تهران: نشر علم.
۱۶. ذوالفقاری، ابوالفضل و مسلم میرزایی. (۱۳۹۰ش). «نابرابری جنسیتی و طبقاتی در اندیشه پروین اعتصامی»؛ نشریه زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۹-۳۵.
۱۷. رادپور، علی اکبر. (۱۳۷۷ش). شخصیت زن در دیوان پروین و سید محمد حسین شهریار؛ چاپ اول، تبریز: سیمادر.

۱۸. رهبری، مهدی. (۱۳۸۹ش). حکومت و جامعه در عصر پهلوی؛ چاپ اول، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.
۱۹. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۴ش). با کاروان حله؛ چاپ چهاردهم، تهران: علمی.
۲۰. ----- (۱۳۷۳ش). نقد ادبی؛ ج ۱ و ۲، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.
۲۱. سلدن، رمان و پیتر ویدوسون. (۱۳۸۷ش). راهنمای نظریه ادبی؛ ترجمه عباس مخبر؛ چاپ چهارم، تهران: نشر طرح نو.
۲۲. صادقی گیوی، مریم و بهاره پرهیزگاری. (۱۳۹۰ش). «مولف‌های هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی»؛ فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۰، صص ۲۰۷-۲۲۸.
۲۳. الصباح، سعاد. (۱۳۷۷ش). زنی بی کرانه؛ ترجمه فرهاد فرامرزی، چاپ اول، تهران: داستان.
۲۴. ----- (۱۳۷۸ش). رازهای یک زن؛ ترجمه حسن فرامرزی، چاپ اول، تهران: داستان.
۲۵. ----- (۱۳۸۳ش). بانوی ماسه و ماه؛ ترجمه وحید امیری، چاپ اول، تهران: دارینوش.
۲۶. ----- (۱۳۹۱ش). عشق سروده‌ها؛ ترجمه آمنه جهانگیر اصفهانی، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۷. غفار، قمر. (۱۳۸۶ش). «پروین شاعری با افکار و احساسات زنانه»؛ مجموعه مقالات نکوداشت پروین اعتصامی، به کوشش منوچهر اکبری، تهران: خانه کتاب، چاپ اول، صص ۲۳۳-۲۴۴.
۲۸. قانون‌پرور، محمدرضا. (۱۳۶۸ش). «دنیای آرمانی پروین اعتصامی»؛ مجله ایران شناسی، سال ۱، شماره ۲، صص ۳۱۰-۳۲۰.
۲۹. مباشری، محبوبه. (۱۳۸۶ش). «در آرزوی صحبت خورشید درخشان: بررسی و تحلیل ساختار و محتوای شعر پروین»؛ مجموعه مقالات نکوداشت پروین اعتصامی، به کوشش منوچهر اکبری، تهران: خانه کتاب، چاپ اول، صص ۲۶۰-۲۸۸.
۳۰. محمدی، ابراهیم. (۱۳۸۹ش). مبانی نظری ادبیات تطبیقی؛ چاپ اول، بیرجند: انتشارات قهستان.

۳۱. محمدى، فاطمه. (۱۳۸۷). «پروين اعتصامى شاعر فضيلت و انسانيت»؛ فصلنامه بانوان شيعه، سال ۵، شماره ۱۵، ۷-۳۶.

۳۲. مدنى، نسرین. (۱۳۸۵ش). در كوجه‌هاى خاكى معصوميت: نقد تطبيقى فروغ فرخ زاد و غادة السمان شاعر معاصر عرب؛ چاپ اول، تهران: چشمه.

۳۳. مهدى پور، محمد. (۱۳۸۶ش). «درونمايه‌هاى شعر پروين اعتصامى»؛ مجموعه مقالات نكوداشت پروين اعتصامى، به كوشش منوچهر اكبرى، تهران: خانه كتاب، صص ۳۰۹-۳۲۸.

۳۴. هاشم پور سبحانى، توفيق. (۱۳۸۶ش). تاريخ ادبيات ايران؛ چاپ اول، تهران: زوار.

۳۵. يوسفى، غلامحسين. (۱۳۸۳ش). چشمه روشن؛ چاپ دهم، تهران: علمى.

ب) منابع عربى

۱. أبو حاكمه، أحمد مصطفى. (د.ت). تاريخ شرقى الجزيرة العربية، نشأة و تطور البحرين و الكويت؛ ترجمة محمد امين عبدالله، بيروت: منشورات دارمكتبة الحياة.

۲. حسين العفيف، فاطمة. (۲۰۱۱م). لغة الشعر النسوى العربى المعاصر: نازك الملائكة، وسعاد الصباح، ونبيلة الخطيب، نماذج؛ الطبعة الأولى الأردن: عالم الكتب الحديث للنشر و التوزيع.

۳. راغب، نبيل. (۱۹۹۳م). عزف على أوتار مشدودة-دراسة فى شعر سعاد الصباح-؛ الطبعة الأولى القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

۴. الرشيد، عبدالعزيز. (۱۹۸۷). تاريخ الكويت؛ الطبعة الأولى بيروت: منشورات دار مكتبة الحياة.

۵. صادق، عبدالرضا. (۲۰۰۹م). فى أدب العراق الحديث؛ الطبعة الأولى بيروت: دارالفارابى.

۶. الصانع، راشد مزيد و آخرون. (۲۰۰۳م). العلاقات الكويتية الإيرانية و سبل تطويره؛ الطبعة الأولى، الكويت: مركز البحوث و الدراسات الكويتية.

۷. الصباح، سعاد. (۱۹۹۷الف). فى البدء كانت الأنثى؛ الطبعة السادسة، الكويت: دارسعاد الصباح للنشر و التوزيع.

۸. ----- (ب). فتايت امرأة؛ الطبعة التاسعة، الكويت: دارسعاد الصباح للنشر و التوزيع.

۹. ----- (د.ت). امرأة بلا سواحل؛ الكويت: دارسعاد الصباح للنشر و التوزيع.

۱۰. المعوش، سالم. (۲۰۱۱م). الأدب العربى الحديث، الطبعة الثانية، بيروت: دارالنهضة العربية.

۱۱. النابلسى، شاكرا. (۱۹۹۰م). فى ذاكرة امرأة(دراسه فى ادب غادة السمان)؛ الطبعة الاولى، بيروت: المؤسسة للدراسات و النشر.

فصلنامه لسان مبین (پژوهش ادب عربی)
(علمی - پژوهشی)
سال ششم، دوره جدید، شماره بیستم، تابستان ۱۳۹۴
دراسة مقارنة فى المضامين الشعرية لسعاد الصباح وبروين اعتصامى
(بالاعتماد على مدرسة أوروبا الشرقية للأدب المقارن)*

على أصغر حبيبي

أستاذ مساعد في اللغة العربية وأدائها بجامعة زابل

ليلا شكيباني

ماجستير في اللغة الفارسية وأدائها بجامعة زابل

وحيد شمشيري

ماجستير في اللغة الفارسية وأدائها بجامعة زابل

الملخص

برغم تقادم العهد للأدب الفارسي والعربي، فإن الأدب النسوي في إيران والبلاد العربية ليس أدبا قديماً، ويجب أن نعترف أنّ المجال الملائم لتطور الأدب النسوي وتقدم الشاعرات لأشعارهنّ التي تهتمّ بقضايا المرأة وتبيّن مشاعرهما وعواطفهما، تمهّد بعد الثورة الدستورية في إيران والحركات والثورات السياسية والاجتماعية في البلاد العربية. إنّ بروين اعتصامى وسعاد الصباح، تعتبران من ممثلات الأدب النسوي في إيران والكويت. وهذا البحث وبالاعتماد على المنهج التفسيري-التحليلي، يهدف إلى استعراض أهمّ المضامين الشعرية عند الشاعرتين، بروين اعتصامى وسعاد الصباح، والتي تتحلّى في مجالات مختلفة ثقافية، واجتماعية، وأمور فردية، و قضايا متعلقة بالمرأة، وذلك بعد القيام بدراسة شعر كلّ واحدة منهما على حدة، ومن ثمّ عقد مقارنة بينهما على أساس المنهج المتبع عند مدرسة أوروبا الشرقية للأدب المقارن. إن نتائج البحث تشير إلى أنه برغم التشابهات الكثيرة في الاهتمام بقضايا المرأة، ومكافحة سلطة الرجل (النظام الأبوي)، والظلم، وحب البشرية في شعر بروين اعتصامى وسعاد الصباح، فقد مارستا قضيتي عاطفة الأمومة والحب بشكل متفاوت، وهذا بسبب وجود بعض الاختلافات في الحياة الاجتماعية والشخصية للشاعرتين.

الكلمات الدليّة: المضامين الشعرية، الأدب المقارن، بروين اعتصامى، سعادالصباح.

* - تاريخ الوصول: ۹۳/۰۵/۰۳ تاريخ القبول: ۹۴/۰۲/۲۷

عنوان بريدالكاتب الإلكتروني: ali_habibi@uoz.ac.ir